

اشاره

محمدعلی تسخیری در سال ۱۳۲۳ خورشیدی در نجف اشرف چشم به جهان گشود. پدر وی از مردمان رامسر گیلان، خود از عالمانی بود که در نجف اشرف - معبد عالمان راستین - ضمن انجام وظیفه، روزگار سپری می‌کرد. وی دوره ابتدایی و متوسطه را در همان شهر به پایان رساند و سپس با راهنمایی پدر به درس شهید آغازگر آیت‌الله علامه، شهید سید محمدباقر صدر راه پیدا کرد؛ و همزمان از درسهای آیات عظام: سید ابوالقاسم خویی، شیخ کاظم تبریزی، سید محمدتقی حکیم، صدر بادکوبه‌ای و برخی دیگر بهره‌ها برد. وی ضمن تحصیل در حوزه علمی نجف، دروس دانشگاهی را نیز در رشته ادبیات عرب و فقه و اصول در دانشکده فقه نجف ادامه داد. او در آغاز جوانی به شعر و شاعری علاقه‌مند بود و قصایدی نیز از ساخته‌های ذوق سلیم او در دسترس است. آیت‌الله تسخیری با سپری شدن این دوران به فکر مبارزه افتاد و در این دوره نیز طعم زندان حاکمان جور و بعثی عراق را نیز چشید. او به سال ۱۳۵۰ خورشیدی عازم ایران و حوزه پربار قم شد و از جمله خوشه‌چینان جلسات درس آیات عظام گلپایگانی و وحید خراسانی شد. با پیروزی انقلاب اسلامی تمام وقت خود را صرف امور فرهنگی و تبلیغات اسلامی در داخل و خارج کشور کرد. وی از آغاز جمهوری اسلامی در ایران تاکنون، در شغل‌های متعددی انجام وظیفه کرده و با سفرهای متعدد و شرکت فعالانه در کنفرانسها و مجامع علمی و سیاسی بین‌المللی و سخنرانیهای عالمانه در آنها به عنوان عالمی محبوب و درد آشنا شناخته شده است. هم‌اکنون نیز دبیر کلی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به عهده اوست.

کتاب و سنت؛ آه‌شخور وحدت

در گفت‌وگو با آیت‌الله محمدعلی تسخیری

□ حضرت آیت‌الله، نخست از جناب عالی، برای وقتی که در اختیار فصلنامه میثاق قرار دادید تشکر می‌کنم. و امیدوارم سالهای سال تندرست

و پاینده باشید. لطفاً ابتدا معنای تقریب در کتاب و سنت را برای خوانندگان فصلنامه بیان کنید نکته اساسی در این سؤال را تبیین فرمایید که آیا اصلاً در مسئله تقریب می توانیم از کتاب و سنت استفاده کنیم.

○ بسم الله الرحمن الرحيم. بنده هم از جناب عالی، جناب آقای موسوی و همه همکاران این مؤسسه خوب تشکر می کنم. اگر ما معنای تقریب را دقیقاً بررسی کنیم، می بینیم که ریشه هایش خیلی عمیق است.

تقریب حرکتی است فکری برای شناخت مشترکات فکری ما بین مذاهب و همکاری در اجرای این دایره مشترکات، در واقعیت زندگی. نقاط اختلاف هم طبیعی است. اگر نتوانستیم آنها را حل کنیم، باید همدیگر را معذور بداریم. این ایده با همین سادگی اش به نظرم یک ایده فطری است، قبل از اینکه اسلامی باشد. اسلام هم که اعلام کرده است دین فطرت است. دین، منطبق فطری انسان است. اصلاً خود انسان این گونه خلق شده است تا چیزهایی را که در مغزش هست، از راه زبان و لغت به دیگران منتقل کند و با دیگران به آن نقطه مشترک برسد و در اجرای آن مشترکات همکاری کنند. اختلاف هم طبیعی است. من معتقدم که این در فطرت انسان ریشه دارد.

بر این اساس، ما گفت و گوی ادیان را بر حق و بر اساس آیه قرآنی «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم ألا نعبد إلا الله و لا نشرك به شیئاً»^۱ می دانیم. «سواء» همان دایره مشترک بین ادیان است. قرآن این را فقط بین ما و اهل کتاب مطرح نکرده است. این یک ریشه فکری دارد. هرچه بیشتر با دیگران نقطه اشتراکمان را کشف کنیم، بیشتر می توانیم در راه خدمت به خودمان و شریعت بکوشیم. بر این اساس، در متون اسلامی اصولی وجود دارد که نتیجه اش تقریب است. اسم تقریب در قرآن یا در حدیث نیامده، ولی روحش به طور کامل آمده است. منطقی که

۱. آل عمران، آیه ۶۴

قرآن اشاعه می‌دهد، منطق تعقل، عقلانیت در برخورد، تتبع و تأمل و برخورد عقلانی است. اصلاً اسلام دین برخورد عقلانی و ناسخ برخوردهای غیر عقلانی است. این عقلانیت اسلام انسان را به تبادل نظر وادار می‌کند.

یکی از نکات مهم اسلام مسئله گفت‌وگوست. قرآن پر از گفت‌وگو بین مؤمنان، انبیاء، خدا و ملائکه، خدا و شیطان و خدا و کافران و پر از مسئله گفت‌وگوست. من معتقدم که در قرآن تئوری کامل گفت‌وگوی انسانی آمده است، گفت‌وگوی بی‌طرف، گفت‌وگوی سالم. یکی از مبادی قرآن آزادی اجتهاد است. اجتهاد درباره اسلام و متون آزاد است. عدم تحمیل ایده بر دیگران، چه اعتقاد و چه استنباط، «لا اکراه فی الدین»^۱ یک مبدأ قرآنی بزرگ است. البته اختلاف هم به رسمیت شناخته شده است. ما حتی یک متن در قرآن و حدیث نداریم که بگوید اختلاف فکری نکنید. نهی از نزاع عملی شده، اما اختلاف فکری طبیعی است.

همه این اصول ما را هم به تفکر، هم به بالا رفتن سطح معلومات بین مسلمانان و هم به گفت‌وگو و محاوره وادار می‌سازد. به طبیعت حال، این آزادی اجتهاد منتج اختلاف آرا در مسائل گوناگون و بالاخره منتج مذاهب گوناگون می‌شود. این مسئله درست و صحیح است، اختلاف باید انجام بگیرد. می‌بینیم که صحابه بین خودشان اختلاف داشتند. در زمان تأسیس مذاهب یعنی در اوایل قرن دوم هجری نیز اختلاف طبیعی بود. ولی رابطه ای که بین این مذاهب بود، خوب و صمیمی بود. حتی همه مذاهب اربعه اهل سنت به علت محبتشان به اهل بیت متهم به تشیع شدند. می‌خواهم بگویم که رابطه، رابطه جالبی بود. ولی هنگامی که جامعه یک مقدار از آن عقلانیت دور شد، مبتلای تعصب، طایفه‌گری، افراط و تکفیر شد و شاهد این درگیریها در طول تاریخ شدیم. در دهه چهارم قرن بیستم دیدیم که

عده‌ای از علمای شیعه و سنی در قاهره دار التقریب را به وجود آوردند. این دار التقریب حرکت خودش را ادامه داد و مجمع جهانی تقریب به نظرم امتداد آن حرکت پر برکتی است که در همان سالها انجام گرفت.

□ استاد، آیا در همین دو‌یست سال اخیر می‌توانیم سید جمال‌الدین اسدآبادی را به عنوان بنیانگذار این تقریب معرفی کنیم؟ کار سید جمال صرفاً سیاسی نبود. آیا می‌توان گفت پایه‌گذار همان مجمع تقریب که در مصر بود و نیز مجمع فعلی، همان سید جمال است، یا نه یک جنبه فقهی و فقهاتی دارد که به آیت‌الله بروجردی یا شیخ محمود شلتوت و امثالهم برمی‌گردد؟

○ عرض کردم که این حرکت ریشه در متون اصلی اسلام و در گرایش اسلام دارد. نمی‌توانیم بگوییم تقریب زاییده فکر کسی است. تقریب زاییده متون اسلامی و همچنین قرآن و سنت و نیز رفتار اهل بیت است. دیدیم که آنان چقدر بر روی این مسئله نزدیکی پیروان مذاهب و اختلاط شیعه با پیروان مذاهب دیگر تأکید داشتند. این نیز زاییده تأکید قرآن بر وحدت و اخوت اسلامی بین مسلمانان است. ولی در طول تاریخ انحرافات رخ داد و تعصب و طایفه‌گرایی مخلوط شد. حتی بر برخی از علما و اهل علم این تعصب آثار خیلی منفی داشت. حرکت نهضت و بیداری اسلامی نیز در همین قرن هیجدهم و نوزدهم میلادی و دوره سید جمال‌الدین و رهبران این نهضت و حرکت‌های اصلاحی رخ داد. این بیداری اسلامی یکی از مشخصاتش حرکت به سوی وحدت اسلامی و سعی در تقریب بین مذاهب است. چون تقریب بین مذاهب یکی از راه‌های وحدت امت اسلامی است. ما می‌توانیم بگوییم آن نهضت بیداری به طور کامل مؤثر بود. و نیز می‌توان این حرکت را به نوعی معلول حرکت سالهای چهل و دوران مرحوم آیت‌الله بروجردی و مرحوم آقای شلتوت دانست. همین طور می‌توانیم آن را به سیر علمای آگاه مذاهب در طول تاریخ منتسب کنیم.

ما واقعاً در این زمینه یک مقدار کوتاهی کردیم. باید روابط بین علمای شیعه و سنی را در طول تاریخ بررسی کنیم که چقدر ارتباط داشته‌اند. مرحوم شهید ثانی پنجاه استاد اهل سنت داشت. به دمشق و مصر می‌رفت و با علمای شیعه و سنی رابطه داشت. گاهی اصلاً معلوم نبود که اینها حنبلی‌اند یا شیعه‌اند. شیخ طوسی هم آن قدر آرای اهل سنت را در کتاب الخلاف ذکر کرده است که یکی از علمای شافعی شیخ طوسی را از علمای شافعی می‌داند. در طبقات الشافعیه گفته‌اند: شیخ طوسی یکی از علمای بزرگ شافعیه است. گاهی کتابی را که یک شیعه تألیف می‌کرد، سنی شرحش می‌داد یا کتابی را که یک سنی تألیف می‌کرد، چند شیعه شرحش می‌کردند. یعنی این موضوع ریشه‌ای قبل از قرن نوزدهم و بیستم دارد. ولی به شکل یک حرکت منظم در همان سالها رخ داد و تا سال هفتاد میلادی ادامه یافت و با درگذشت رهبران یا ساکت شدن رهبران این حرکت یک مقدار ضعف و سستی پیدا کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و حضور این بیداری عظیم امت اسلامی و رهبری این بیداری توسط امام خمینی(ره) و باگذشت از مانع جنگ و رهبری مقام معظم رهبری (حفظه الله)، در سال اول رهبری ایشان این مجمع جهانی تقریب مذاهب تأسیس شد. ایشان نیز از این مجمع پشتیبانی قوی کردند و حرکت مجمع رشد کرد. اکنون می‌توانیم این حرکت را به مقام معظم رهبری، به حضرت امام خمینی(ره) و به مرحوم آیت‌الله آقای بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) منسوب کنیم، یعنی همه به این مسیر مقدس کمک کردند تا به اینجا رسیده است.

□ اگر مسلمانان به سمت این تقریب نروند، آیا دنیای اسلام ضرر می‌کند و اگر ضرر می‌کند، این ضرر متوجه چه بخشی از اسلام است؟ اعتقادات از بین می‌رود؟ اقتصاد ضرر می‌کند؟ جنگ به وجود می‌آید؟ این ضرر متوجه کجاست؟

○ ما طبق آن گفته قبلی خود معتقدیم حالت طبیعی امت اسلامی همین

حالت تقریب است. همان روابط خوب فی ما بین مذاهب است. چون اشاره کردیم اصل انسان که خلق شد، به سمت تقریب بین خود و دیگران حرکت می‌کرد تا مشترکات را بیابد. ما مساحت مشترک بین ادیان را زیاد می‌دانیم و دعوت به گفت‌وگوی بین ادیان می‌کنیم. ولی مساحت مشترک بین مذاهب اسلامی هم خیلی عظیم است. ۹۵ درصد اعتقاد و فقه و تمدن ما مشترک است. با وجود این مشترکات عظیم، طبیعی است که باید همدیگر را بشناسیم و این مشترکات را تقویت کنیم. با گفت‌وگو می‌توانیم دایره مشترکاتمان را خیلی توسعه بدهیم. حالا چه مانعی دارد که پنج درصد هم در تاریخ، تمدن و فقه اختلاف داشته باشیم. در اخلاق که اختلاف نداریم و نظام اخلاقی‌مان مشترک است. در اعتقادات، در فرعیات، اگر اختلافی هم باشد اشکالی ندارد. می‌خواهیم بگویم حالت طبیعی این است.

اما اگر امت بخواهد از این حالت جدا بشود، معلوم است که احتمال تحقق وحدت امت کم می‌شود. اگر امت پاره پاره شود، روحیه مقاومت را از دست می‌دهد. امتی که مقاوم و پایدار نباشد، در قبال چالشهای عظیم نابود می‌شود. ما امروز چالشهایی داریم که هدفشان محو فرهنگ اسلامی، حماسه اسلام بلکه محو امت اسلامی است. با وجود این چالشهای عظیم از بیرون و با وجود چالشهای داخلی فقر و جهل و مرض و عقب‌ماندگی اقتصادی و نبود مقاومت، امت به اضمحلال می‌رسد و نقش امت در مسیر تمدن بشری حذف خواهد شد. من معتقدم بالاترین ضربه را خواهیم دید و نه فقط در مسئله اعتقادات درگیری خواهیم داشت، حتی در مسائل فقهی، تمدنی و تفسیر تاریخی و تعامل بین‌المللی ضربه شدیدی خواهیم خورد. اگر مقاومتمان از بین برود، هویتمان از بین خواهد رفت. من نمی‌توانم عظمت ابعاد ضررهای نبود تقریب و وحدت را حتی در ذهنم ترسیم کنم.

□ پس از بررسی ریشه‌های تقریب در آیات و روایات نوبت به فقه می‌رسد.

به نظر شما فقه شیعه و سنی چند درصد با هم اختلاف دارند؟ اصلاً درصد می‌شود تعیین کرد یا نه؟ از حضرت آیت‌الله بروجردی نقل می‌کنند که ایشان فرمودند فقه شیعه حاشیه‌ای بر فقه اهل سنت است. این دیدگاه را چگونه بررسی می‌کنید؟

○ من حقیقت را خدمتتان بگویم. اختلاف بین هدف واقعی شیعه و اهل سنت، حتی از اختلاف فی ما بین مذاهب اهل سنت کمتر است. ما توافقات فقهی زیادی داریم. در اصول مسیر توافق داریم. در روح اسلام کاملاً توافق داریم. اختلافات فرعی که داریم، به هیچ وجه به آن توافق اصولی ضربه نمی‌زند. همه مذاهب بر پایه قرآن و سنت هستند. در روایات گاهی با اینها اختلاف داریم، ولی می‌بینیم مشترکات فراوان است. مثلاً خود همین مجمع تا به حال ۲۵ جلد کتاب روایات مشترک شیعه و سنی را چاپ کرده است. معنایش چیست؟ معنایش این است که منبع یکی است. هم اهل بیت از پیامبر اکرم و قرآن می‌گیرند و هم آنها از پیامبر اکرم و قرآن می‌گیرند. حالا راههای رسیدن به این منبع گاهی اختلاف دارد. عرض کردم که خودشان هم در این راهها اختلاف دارند. ما هم در بین خودمان اختلافاتی اجتهادی و فقهی داریم. نتیجه این است که مشترکاتمان خیلی زیاد است و لذا زمینه گفت‌وگو فراوان است. به نظرم گفت و گو می‌تواند این اختلافات را کم کند، ولی از بین نخواهد بُرد. اختلافات فقهی در ازدواج موقت و در برخی از احکام ارث داریم، ولی این اختلافات طبیعی و در نوع استنباطات و قبول مبانی است. اختلافاتی در اصول فقه، قیاس و استحسان وجود دارد، ولی طبیعی است و جای گفت‌وگو هم وجود دارد.

□ نظر شما راجع به آن جمله معروف حضرت آیت‌الله بروجردی چیست؟

○ این به معنای اصل و فرع نیست. خیلی از روایاتمان ناظر به روایات اهل سنت است. مثلاً می‌خواهد مفهومی را تصحیح کند یا عامی را مقید کند یا حکم فرعی مختصری را توسعه بدهد. این نقصی در فقه ما نیست.

ائمه گاهی روایات را ناظر می‌دانند به آنچه در اهل سنت شایع است نه کل فقه ما. طبیعی است که ما یک مبانی کامل و منسجم و متوازی داریم و برخی از روایاتمان ناظر به روایات اهل سنت است. اینجاست که ما واقعاً طرفدار بررسی مسائل براساس فقه مذاهب هستیم. البته اسناد اصلی ما روایاتی است که از اهل بیت نقل شده است. آنها اساسی‌اند. ولی باید از آن فقه هم مطلع بشویم. از طرفی هم ما به اهل سنت می‌گوییم که فقه و روایات اهل بیت می‌تواند به شما دید و دقت بیشتری بدهد.

□ آیا عکس ناظر بودن فقه شیعه به فقه اهل سنت هم جایز است و مورد دارد؟ آیا مواردی از فقه اهل سنت یا احادیثی که صرفاً از طرق اهل سنت وارد شده، به فقه و روایات شیعه ناظر است؟

○ شناخت آن روایات برای فقه ما خیلی مفید است. گاهی توضیحی که در بعضی از روایات اجماعی را تفسیر کند وجود دارد. ولی آنها ناظر به روایات پیامبر اکرم‌اند و نمی‌توانیم بگوییم روایاتشان ناظر به روایات ماست. آنها کلاً فقط آن دوره زمان پیامبر را دارند. ما روایاتمان در مسیر معصومان تا ۲۵۰ سال بعد از هجرت و حتی تا اواخر غیبت صغری در ۳۲۹ هجری ادامه داشت. چون که از طرف امام زمان نیز روایات و توقیعات می‌آمد. همه اینها برای ما منابع اصلی شناخت اسلام را تشکیل می‌دهد. ولی شناخت کل این منابع و کل این روایات و تشخیص صحیح و حسن و امثال اینها خیلی می‌تواند به مسئله استنباط فقهی کمک کند و همه اینها میراث فرهنگی اسلامی هستند. نباید چیزی را کنار بگذاریم. هم ما نباید کل فقه اهل سنت را کنار بگذاریم و هم آنها نباید از فقه عظیم و پرمعرفت اهل بیت دور بشوند.

□ استاد، چه موانعی باعث شده که مسلمانان این قدر از هم جدا بشوند؟ آیا مقصر علما بوده‌اند یا این سیر طبیعی بوده است؟

○ من نمی‌توانم این امر را به یک مانع منحصر کنم. مانعهای زیادی در این مسیر قرار گرفت. به نظرم روحیه افراط‌گری برخی از علما مانع بزرگی

بوده است. برخی تصور می‌کردند که همه آنچه خودشان می‌گویند حاق ایمان و ماعدای آن کفر صریح است. این روحیه افراط‌گری است. روحیه طایفه‌گرایی که در اعصار سخت تاریخ اسلامی به وجود آمد، مانع دیگری بود. اهداف سیاسی برخی از حکومتها که می‌خواستند از این نزاع سیاسی سوء استفاده کنند و به اهداف خودشان برسند هم وجود داشت و یکی از موانع بزرگ بود. به نظرم جهل پیروان برخی از مذاهب به ایده‌های پیروان دیگر یکی از موانع بزرگ دیگر است و در رأس آنهاست. ما تصور می‌کنیم کل اهل سنت ضد تشیع‌اند، اما این واقعیت ندارد. اگر اهل سنت هم تصور کنند که کل مذهب شیعه مذهب خارج از اسلام و اصلاً از مذاهب غیر منسجم با تعالیم اسلام است، امری دروغین است.

رفتارهای تحریک‌آمیز برخی نسبت به برخی نیز مانع و عامل دیگر است. این رفتارهای لعن و سب و طرد و تکفیر تحریک‌آمیز است، چه از سوی شیعه و چه از سوی سنی. شاید شیعه تصور کند که آنها وقتی روز عاشورا را روزه می‌گیرند، به عنوان ضدیتشان با اهل بیت است. ولی این گونه نیست. شما از هر کدام از این اهل سنت سؤال کنید روایاتی دارند که گفته است این کار مستحب است. او هم دارد به یک مستحبی عمل می‌کند و متوجه ضررها و اثرات منفی آن نیست. ما باید همدیگر را بهتر بشناسیم. البته یک عامل دیگری هم هست که نباید از آن غفلت کنیم و در طول تاریخ هم بوده است. آن عامل تحریکات دشمن و دستهای استعماری در قرون اخیر است. همه این عوامل دست به دست هم دادند و مذاهب اسلامی را از هم جدا کردند، بلکه وادار کردند نزاع کنند و جوی خون و اشک جاری بشود. امیدواریم همه ما این عوامل را خوب بشناسیم و به سمت تقریب برویم و تقریب مقدمه وحدت باشد.

□ آیا اکنون مانع خاصی که به اصطلاح مانع حرکت باشد، بر سر راه تقریب

وجود دارد؟

○ بنده معتقدم همه این عوامل که اشاره کردیم هنوز هست. هنوز عده‌ای

بین شیعه و بین سنی افراط‌گردد و دید تندی دارند. و به قول بعضی از این آقایان، آب وضویشان با آب وضوی یک سنی یا بالعکس آب وضوی یک سنی و آب وضوی یک شیعه نمی‌تواند در یک مسیر جریان داشته باشد. این افراط‌گری است. دیدیم که مدتی قبل، امام مسجد مکه که تازه تعیین شده مدعی می‌شود تمام علمای شیعه کافرند. خوب این حماقتی بیش نیست. هر کس این حالت افراط‌گری را داشته باشد، بالاخره به حلق و سغه منتهی می‌شود، چه از شیعه باشد و چه از سنی. جهل به بزرگی دیگران و نیز تحریکات استعماری وجود دارد. متأسفانه حتی می‌آیند علمای تقریبی را تحریک می‌کنند. سی دی‌هایی را ارائه می‌دهند، مجالسی سفهی را بر پا می‌کنند و علما را تحریک می‌کنند. متأسفانه از این تحریکات فتنه‌انگیز در جهان اسلام ضررهای فراوان دیده‌ایم.

من معتقدم امروز باید این ریشه‌ها را از بین ببریم. ریشه افراط‌گری را که شامل تکفیر و تفسیق می‌شود و نیز ریشه جهل به دیگران و دستهای دسیسه‌انگیز استکبار و رفتارهای تحریک‌انگیز را کلاً از بین ببریم تا بتوانیم به یک مرحله عقلانی، مرحله اسلامی، مرحله اخوت و وحدت برسیم. «ان هذه امتکم امة واحدة و أنا ربکم فاعبدوه»^۱ قرآن اعلام می‌کند که اصلاً این تفرقه مساوی با کفر است: «و لا تکنوا کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البينات و اولئک لهم عذاب عظیم»^۲ و وقتی قرآن این طور می‌گوید و احادیث نبوی و اهل بیت این گونه می‌گویند و ما چنین رفتارهایی داشته باشیم، یعنی از کل میراث فرهنگی مان جدا شده‌ایم.

□ استاد، گویا این آیه را این گونه هم می‌توان توجیه کرد که شاید نهی در آن خطاب به فرقه‌ای خاص باشد. مثلاً اهل سنت بگویند که آیه به ما می‌گوید تفرقه نداشته باشید. آیا نهی در این آیات برای خداپرستان است؟

۱. انبیاء، آیه ۹۲.

۲. آل عمران، آیه ۱۰۵.

○ آیه خطاب به همه مؤمنان است، شما مسیر این آیات را بگیرید. آیات از اینجا شروع می‌شود که «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا و اذكروا نعمة الله عليكم...»^۱. این خطاب به کل مسلمانان است. یکی از اشتباهات بزرگ همین افراط‌هاست. برخی از احادیثی که ریشه ندارند نیز مسئله‌سازند. مثل حدیثی که می‌گوید امت من به ۷۲ فرقه تقسیم می‌شود و همه آنها به جز یکی در آتش خواهد بود. این حدیث در شیعه نمی‌تواند ریشه داشته باشد. در کتب اربعه ما نیامده است. در فروع کافی آمده است. حدیثی متناقض و دارای شبهات است. در کتب اهل سنت هم از سند قوی برخوردار نیست. متنش یک متنی است که نمی‌شود آن را پذیرفت. یعنی پیغمبر اکرمی که می‌خواهد امت خودش را تشویق به وحدت کند، نمی‌آید این روحیه بدبینی را به وجود بیاورد و بگوید همه‌تان در آتشید و یکی‌تان فقط ناجیه هستید. آن وقت هر کس بگوید من امت ناجیه هستم. اهل بیت بگویند ما اهل بیت هستیم. آنها بگویند ما صحابه هستیم.

این حدیث واحد بی‌سند درگیری به وجود می‌آورد و متأسفانه شایع هم شده است. این از نظر من افراط‌گری است. کسانی که به این حدیث متمسک بشوند، اینها هم از آن افراط‌گراها هستند، سند و مدرکش را نمی‌بینند. اگر حدیث درست باشد، شاید پیامبر اکرم می‌خواستند اشاره کنند که حق یکی است، واقعیت در خارج یکی است. آن حق است و باقی اقوال غیر از آن، اقوال باطلی است. شما سعی کنید آن حق را به دست بیاورید. آن حالت جنب و جوش اجتهادی را داشته باشید. ما از این حدیث سوء استفاده کرده‌ایم و خودمان را امت ناجیه خوانده‌ایم.

می‌خواهم این را عرض کنم که مانعی نداریم همه فرقه‌ها بگویند ما فرقه حقه هستیم. اصلاً این طور می‌خواهیم ادعا کنیم که همه این فرقه‌ها باید این سخن را بگویند والا برای چه من شیعه هستم و تو سنی هستی. لابد

۱. آل عمران، آیه ۱۰۳.

برای من ثابت شده که این مسیر حق است و من شیعه شده‌ام و شما هم رفتی سنی شدی. مانعی نیست همه مدعی باشند ما حقیق. ولی اینجا حق در قبال کفر نیست، بلکه خطا وجود دارد. ما باید نزاع را از یک مرتبه به مرتبه دیگر منتقل کنیم. یک مرتبه این نزاع حق و باطل است، کفر و ایمان است. لیکن نزاعی هم بین خطا و صواب است. نزاع خطا و صواب مانعی ندارد. من مخالف شما هستم شما مخالف منید. رأی من این است و شما رأی دیگری دارید. ولی ما هر دو برادر می‌مانیم. در چارچوب امت اسلامی برادر خواهیم بود.

بین علمای شیعه چقدر نزاع هست؟ علمای شیعه گاه مخالف صد درصد هم‌اند. یعنی یک عالم مسئله‌ای را مطرح می‌کند و آن مسئله را قبول دارد و می‌گوید این مّر اسلام است. عالم دیگر می‌گوید دقیقاً این مسئله خطاست. آیا اینها از تشیع خارج می‌شوند یا یکی از آنها خارج می‌شود؟! اختلاف بین ما و اهل سنت زیاد است. اختلاف هست، ولی آیا این اختلاف، اختلاف کفر و ایمان است یا اختلاف خطا و صواب است؟ به نظر ما اختلاف خطا و صواب است. این اختلاف متنافی با اخوت و وحدت و برادری اسلامی نیست. ما باید این مسئله را به این مرتبه برسانیم و از مرحله کفر و ایمان خارج کنیم. حتی برخی از این گونه افراد می‌گویند که هر کس در این مسئله شک کند کافر است. این واقعاً منطق اسلامی نیست و منطق افراط‌گری است.

□ استاد، آیا کنگره‌ها و مجالسی که برگزار می‌کنیم، صریح بگویم در حد شعار نیست؟ آیا اصلاً راه کار همین است یا اصلاً نتیجه عملی دارد؟ برخی این نوع مجالس را حیف و میل بیت‌المال و اتلاف وقت می‌دانند!

○ من ابتدا می‌خواهم این را بگویم که مگر شعار در مسیر گسترش ایده‌ها هیچ نقشی ندارد. مگر شعار و شعائر در تاریخمان نیست؟ گاهی ما در مسیر انقلاب می‌بینیم که اصلاً همین شعار نقش مهمی در بسیج کردن توده‌ها داشت. این کنفرانسها اولاً علما را از اطراف جهان گرد موضوع

کنفرانس جمع می‌کند. اینها بیشتر همدیگر را می‌شناسند. حساسیتهای بین مذاهب خیلی کم می‌شود. واقعاً می‌آیند به چشم خودشان می‌بینند. در همین کنفرانسهای ما چقدر به من گفتند که ما چیزهایی در ذهنمان بود و آمدیم و دیدیم که دور از واقعیت بود. به اضافه، این موضوعاتی که در این کنفرانسها مطرح می‌شود موضوعات حساسی است. ما سعی کردیم از روز اول که حالا به اجلاس بیست و یکم کنفرانس وحدت اسلامی رسیده‌ایم، موضوعاتی را که مربوط به کل امت اسلامی است مطرح کنیم. مسئلهٔ اجتهاد و تجدید یکی از موضوعاتمان بوده است.

مسئلهٔ بیداری اسلامی امروز زنده‌ترین پدیدهٔ جهان اسلام است که مورد تأکید و تمرکز مقام معظم رهبری است. یکی از هنرهای زیبای امام راحل بیداری اسلامی، رشد دادن این بیداری اسلامی و تقویت عوامل آن است. برای تقویت و جان دادن به عبادات اسلامی جمعی، نماز جمعه‌ها، حج و امثال اینها تأکید فراوان وجود دارد. مثلاً موضوعی که امسال مطرح کردیم، چالشهای فراروی امت اسلامی بود. چالشهای خارجی، چالشهای داخلی و راه‌حلها اینجا مطرح می‌شود. این کنفرانسها مدرسه‌ای است. من معتقدم کنفرانسهایی که در ایران برپا می‌شود، خیلی کمتر از آنچه در مصر و سوریه و کشورهای غربی برپا می‌شود هزینه دارد، خیلی اثرات مثبت بسیار دارد. من تعجب می‌کنم از کسانی که این حرفها را می‌زنند. حتماً از اثرات مثبت این اجلاسها مطلع نیستند. اگر مطلع می‌شدند، آن موضوع منفی را نمی‌گرفتند.

□ شاید با فکر تقریب موافق نیستند.

○ بله، این مسئلهٔ دیگری است. اگر کسی مخالف اصل ایده باشد، ما دیگر حرفی نداریم. او باید فکر خود را اصلاح کند.

□ با توجه به سفرهای متعدد و مکرر جناب عالی به کشورهای اسلامی،

استقبال دانشمندان و علمای اسلامی از این اندیشه چگونه بوده است؟

○ من معتقدم استقبال از ایدهٔ تقریب بسیار است. امروز در سطح جهان

اسلام از این ایده استقبال می‌شود، به رغم موانعی که در پیش روی ما هست. استقبال علما خیلی خوب است. امروز برخی از کشورها مسابقه می‌گذارند تا اجلاسهای تقریب در آنجا برپا شود. من دیدم که حتی در سطح مؤسسات رسمی جهان اسلام از این ایده استقبال کرده‌اند. ایسیسکو یکی از اهداف بزرگش را تقریب مذاهب گذاشت، ایسیسکو بزرگ‌ترین سازمان فرهنگی جهان اسلام است. مجمع فقه جهانی نیز اداره‌ای برای تقریب مذاهب برپا کرده است.

حتی در سطح رسمی هم می‌خواهم عرض کنم که مثلاً در اجلاس مالزی، استراتژی‌ای به نام استراتژی تقریب بین مذاهب تصویب شد. در کنفرانس فوق العاده سران در مکه مکرمه که جمع شدند برای کل کشورهای اسلامی برنامه ده ساله تصویب کنند، در یک فصل مهمش مسئله تنوع مذهبی و تقریب مذاهب اسلامی آمده است. بنده خودم در نوشتن این فصل برای سران سهیم بودم و تصویبش کردند. احساس می‌کنم که استقبال در سطح خوبی است. اما طبیعی است که موانعی هست. یک دفعه می‌بینیم که رهبری از رهبران تقریب را ضد تقریب قرار می‌دهند. همین آقای قرضاوی از آن جمله است. گزارشهایی به او می‌دهند که ذهنش را عوض کنند. طبیعی است که ما را متهم کنند. اگر این فرد تقریبی شیعه باشد او را متهم به تسنن می‌کنند یا اگر سنی باشد متهم به تشیع می‌کنند. خیلی از اعضای شورای عالی ما می‌گفتند به ما این تهمت را زدند، فاکس می‌فرستند، پیامک می‌فرستند، در برنامه‌های تلویزیونی مطرح می‌کنند که اینها شیعه شدند تا بتوانند مانع تحقق و گسترش این ایده شوند. اما من روی هم رفته مسیر را مثبت می‌دانم.

□ از تجربیات موفقتان در زمینه تقریب مذاهب اسلامی، اگر خاطره‌ای

خوب و شنیدنی دارید برای خوانندگان ما بفرمایید.

○ یادم هست در همین اجلاس کنفرانس فوق العاده سران، من در جایگاه هیأت ایرانی بودم و این ایده را در برنامه ده ساله مطرح کردم. رئیس یکی

از هیأت‌های کشورهای اسلامی مخالفت کرد. گفتم: چرا مخالفت می‌کنی؟
گفت: چون با قانون اساسی ما سازگار نیست، من همان جا گفتم: آیا
می‌توانی همان ماده‌ای را که در قانون اساسی شما آمده که مثلاً مذهب
فقط یک مذهب است یا مسئله تقرب مذاهب را قبول نداریم، برای من
بخوانی؟ این آقا با اینکه شخصیت خیلی مهمی است، وزیر آن مملکت
بود، واقعاً ماند! اجلاس هیأتی را تشکیل داد و ما را به عنوان رئیس این
هیأت انتخاب کردند. نشستیم یک متن قوی‌تر از آنچه خودمان
می‌خواستیم پیشنهاد کنیم مطرح کردیم. این متن را تصویب کردیم و در
این برنامه ده ساله منعکس شد. این واقعاً فتح بزرگی در سطح رسمی بود.

□ مثل اینکه جناب‌عالی با این شرایط جسمانی که دارید خسته شدید، اگر
در پایان توصیه‌ای دارید بفرمایید.

○ بله؛ همین طور است. من خسته شدم. ان‌شاء الله موفق باشید و بتوانید
همان طور که از شواهد و سابقه و آثار تان، خصوصاً از فصلنامه میقات امین،
مشهور است، بتوانید خط تقرب بین مذاهب اسلامی و ادیان و اقوام
مسلمان را پیگیری و تعقیب کنید و در این مسیر پایدار باشید. متشکرم.